نظر محمد مطمئن ۲۰۱۵/۰۲/۱۷

چرا داعش در افغانستان؟
و چرا عبدالرؤف خادم فوراً هدف قرار گرفت؟

موضوع حضور دولت اسلامي (داعش) در افغانستان قريب از يك ماه به اينسو سرخط رسانه هاست. پيرامون موجوديت و عدم موجوديت اين گروه در افغانستان صاحب نظران و تحليگران نظريات متفاوتي ارايه مي دارند. اما اينكه اين گروه در افغانستان حضور دارد و به چه تعداد، يا اينكه امكانات حضورش در اينجا هست و يا نيست، و اگر واقعاً در اينجا حضور داشته باشد، فوايد، زيان ها و پيامدهاي آن چه خواهد بود؟ طالبان در برابر چگونه موقفي دارند؟ همه پرسش هايي اند كه تا كنون به صورت شفاف، دقيق و واضح به آنها پاسخي ارايه نشده است. هنوز هم رويدادها زير سياهي تاريكي ها قرار دارد.
طالبان كه زماني بر افغانستان حكومت داشتند و از سيزده سال به اينسو به عنوان مخالفين مسلح نيروهاي خارجي و اداره افغان برخی از قسمت های کشور را زير كنترول خود دارند، اگر با جنگجويان طرفدار داعش بجنگند هم براي شان زيانبار بوده و اگر نجنگند، هم از اشكال خالي نخواهد بود؛ اگر آنها را تاييد مي كند هم زيانبار است و اگر رد مي كند، زيان هايي در پي دارد.
اگر در بين شان ميانجي هاي صلح رفت و آمد داشته باشند؛ به طور مؤقت مي تواند مشكل تا اندازه يي رفع شود.
اگر در ميان ميانجي هاي صلح وجود نداشته، اين امر حتمي است كه به نحوي با هم درگير خواهند شد.
نداي هوادران دولت اسلامي (كه در افغانستان به نام داعش مشهور است) براي بار نخست از وزيرستان پاكستان سر داده شد و نيز مسئله شبكۀ خراسان از پاكستان به وسيلۀ عبدالقاهر خراساني و مسلم دوست به ميان آورده شد.
در آغاز به شايعه پراگني هايي در مورد پيدايش داعش در افغانستان پرداخته شد، تا حدي بر ديوارهاي پوهنتون كابل به وسيلۀ حلقات مرموز شعار هاي داعش نوشته شد.
هنگام مظاهره محصلين پوهنتون كابل، درفش هاي سياه حزب التحرير هم به داعش نسبت داده شد.
در رسانه ها هم گزارش هايي در مورد داعش به حواله منابع مجهول به نشر مي رسد، به باور تحليلگران اين گزارش ها به منظور ضربه زدن روحي و ايراد فشار بر طالبان به نشر مي رسيد.
در مورد ولايت غزني بسيار زياد گفته مي شود كه در آنجا افراد داعش در ولسوالي اجرستان حضور گسترده دارد و به نام جنگجويان روپوش شناخته مي شود، تا حدي كه نيروهاي آيساف به منظور عمليات هوايي در ساحه آماده گي كامل تدارك ديده ولي بعدها واضح شد كه قوماندان نيرو هاي آيساف جنرال كمپل در اكتوبر ۲۰۱۴ گفت، در مورد حضور داعش در افغانستان معلومات دقيقي وجود ندارد.
حتی مسئله به آنجا كشيده شد كه حكومت افغان رسماً اعلان كرد كه جنگجويان داعش در افغانستان وجود دارد.
بعد از امضاي موافقتنامه امنيتي بين افغانستان و امريكا، روسيه در دسمبر ۲۰۱۴ اعلان كرد كه به سبب حضور جنگجويان داعش در افغانستان نگران است. روز بعد آن، حكومت افغانستان حضور داعش در افغانستان را رد كرد و همچنان امريكا هم در مورد وجود داعش در افغانستان اظهارات محتاطانه داشت.
اكنون كه چين، روسيه و كوريای شمالي در آستانه ايتلاف جديدي قرار دارند، و پيرامون مسئله اوكراين ميان امريكا و روسيه كشيده گي ها به اوج رسيده، امريكا و روسيه هر دو د مورد حضور داعش در افغانستان گزارش هايي را به نشر مي رسانند؛ مقام هاي حكومت افغانستان هم در بعضي مناطق از حضور داعش سخن مي راند.
به همين ترتيب سرمنشي سابق ناتو اندرفوگ راسموسن در ماه اول ۲۰۱۵ گفت كه حضور داعش در شرق ميانه خطرناك ولي در افغانستان با منفعت هايي همراه است.
جنرال جان الن قوماندان عمومي ايتلاف منطقه يي بر عليه دولت اسلامي در اظهارات تازه خود گفته است كه عمليات زميني بر عليه نيروهاي دولت اسلامي در عراق و سوريه به زودترين فرصت آغاز خواهد شد.
داعش در منطقه؛ اياخادمدر واقعيت عضور داعش بود؟
هنگامي از سوي داعش براي خراسان والي و نايب آن گماشته شد؛ حكومت افغانستان از رسانه ها خواست كه از نشر تبلغات و گزارش هاي مربوط خود داري كنند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

براي بار نخست ابويزيد عبدالقاهر خراساني و عبدالرحيم مسلم دوست كه هر دو داراي عقايد سلفي هستند با خليفه دولت اسلامي ابوبكر بغدادي بيعت شان را اعلان داشتند، اما از سوي دولت اسلامي به آن كدام عكس العمل تاييديه نشان داده نشد؛ زماني كه سخنگوي طالبان پاكستان شاهد الله شاهد هم با دولت اسلامي بيعت اش را اعلان كرد و به دنبال چند تن ديگر آشكارا كليپ بيعت شان را با دولت اسلامي در دسترس رسانه ها قرار دادند، دولت اسلامي هم حافظ سعيد خان را به عنوان والي و ملاعبدالرووف خادم را به حيث نايب آن اعلام داشت.
هرچند داعش ملا عبدالرؤف خادم را به عنوان نايب والي خراسان اعلان كرد، اما وي شخصاً در مورد اين انتصابش به رسانه ها هيچ ابراز نظري نكرده بود، بلكه بر اساس معلومات منبع نزديك به طالبان، در هنگام همين اعلان، نامبرده در ولايت فراه بر فراز مسجدي كه وي با همراهانش در آنجا حضور داشتند، درفش سفيد طالبان را به اهتزاز درآورد.
بعد از اين اعلان داعش، با فرستادن نماينده گاني از سوي طالبان جهت مفاهمه با ملا عبدالرؤف خادم تلاش هايي در جريان بود، اينكه هيأت و نماينده گان يادشده با وي ملاقات نموده و يا خير، در اين مورد هنوز معلوماتي در دسترس نيست.
سخنگوي دولت اسلامي ابومحمدالعدناني توجيه حضور گروهش را در خراسان، جنگ با شرك دانست؛ او گفت، مردمان اين سرزمين انگليس ها، روس ها و اكنون امريكايان را به زانو درآورد؛ سپاه طاغوت و كفري را منهزم ساخت؛ اكنون زمان آن فرارسيده كه اين مردم در راه توحيد در برابر شرك بجنگند.
جهاد افغان و مسئله «موحد»و «مشرک»
چنين اعلاني نگراني ها را بيشتر مي سازد. به اين معنى كه آنها در برابر همه كساني خواهند جنگيد كه مسلمانان اند اما به نظر آنها (سلفي ها) موحد نيستند؛ چنين رويدادهايي در زمان جهاد در كمپ هاي مهاجرين و در داخل در جبهات مجاهدين به نظر رسيده است، كه شماري از مجاهدين سلفي عرب مجاهدين افغان و مهاجران مشرك تلفي مي كردند و مي گفتند كه شما بايد موحد شويد، ورنه مرگ شما نيز جواز دارد، رويداد مشهوري در اين مورد، رويداد مجاهدين عربي است كه در ولايت كنر دلسرد شده و پياده خود را به ننگرهار رساندند، آنها مي گفتند كه سفر با موتر را خوش ندارند و امير خود را خود انتخاب كرده بودند، به وسيله اسپ ها و شترهاي سفر مي كردند، به رهبران مجاهدين مي گفتند كه با امير آنان بيعت نمايند، اين گروه بعداً به چهارآسياب نزد آقاي حكمتيار حاضر كرده شدند و او ايشان را به اين قانع داده كه نخست بايد براي استحكام امارت شرايط مساعد و سپس امارت اعلان و با آن بيعت صورت گيرد. از همه مهمتر اينكه براي استقرار امارت به قلمرو نياز است، تا سرزميني را زير كنترول باشد. همان بود كه اين عرب ها بعدها با آقاي حكمتيار باقي ماندند و گفته مي شود كه در برابر احمدشاه مسعود در جنگ نيز شركت كردند.
دولت اسلامی و برنامه های بازیگران سیاسي در عراق بعد از تجاوز امريكا سه جهت قوي مطرح گرديدند؛ كردها، اهل تشيع و سني ها. هر جهت داراي قلمرو بود كه به اين ترتيب عراق عملاً به سه بخش تقسيم گرديد؛ حوزه كردها، حوزه شيعه ها و حوزه سني ها.
برنامه چنين بود كه اگر افراد هر حوزه در داخل همان حوزه با هم درگير مي شوند؛ براي آنها جدي نيست؛ اما اگر اينكه افراد يك حوزه بر قلمرو حوزه ديگر يورش مي برند؛ آنها جلو اين كار را خواهند گرفت.
گروه دولت اسلامي زماني در مناطق سني نشين فعاليت داشت، امريكايان با آنها هيچ مشكلي نداشتند؛ اما وقتي آنها داخل قلمرو شيعه ها شدند، با عكس العمل جدي امريكايان مواجه شدند.
مقام هاي بلند پايه امريكا به خصوص وزير خارجهٔ آن كشور جان كري موفق شد كه شيعه ها و كردها را در حلقه ائتلاف واحد گردهم آورد و در برابر داعش آنها را به استفاده بگيرد. البته در آينده نيرو يافتن كردها در منطقه نيز مشكل جدي است.
اينكه در حال حاضر جان كري و برخي رسانه هاي غربي ابراز مي دارد كه دولت اسلامي به وسيله آنها پايه گذاري شده است؛ يا اينكه اين گروه به بعضي حلقات در اسرائيل ارتباط داده مي شود، تنها به خاطر ناتوان ساختن اين گروه چنين تبليغات را به راه انداخته اند؛ بيشتر تحليلگران به اين باور اند كه دولت اسلامي يك حركت خودجوش اسلامي است، كه در برابر امريكا، اسرائيل و دولت هاي مستبد عربي مبارزه شان را به راه انداخته اند.
اشتباه بزرگ دولت اسلامي در اين بود كه قبل از وقت خلافت اسلامي را اعلان كرد و ادعا كرد كه با اين اعلان امريكا و غرب سراسيمه شده و حكام مستبد كشور هاي اسلامي هم احساس خطر مي كنند؛ از همين جا بود كه در

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

برابر دولت اسلامي عربستان سعودي، كشور هاي عربي، امريكا و دولت هاي غربي دست به دست هم داده و به تشكيل ائتلافي پرداختند.
يك مقام بلند پايه دوران حاكميت طالبان مي گويد كه زماني كه آنها امارت اسلامي را اعلان كردند، فوراً سفير عربستان سعودي به قندهار سفر نموده و ابراز داشت كه آنها خواهان توضيحات در اين زمينه هستند. اين مقام سابق طالبان مي گويد كه آنها به او گفتند كه امارت اسلامي افغانستان، بعد از اين سفير گفت كه فرصت هاي موجود حل شد.
هر تحريك و گروه اسلامي رويا ها خلافت اسلامي را در ذهن مي پروراند، اما با در نظر داشت شرايط به اعلان آن مبادرت نمي ورزد او در انتظار زمان مناسب مي باشد؛ نمونه بارزي در اين راستا گروه اخوان المسلمين و حزب التحرير است.
بر رهبران و دولت اسلامي لازم بود كه در انتظار فرصت مناسب مي بودند و از تجربه هاي ساير حركت هاي اسلامي بهره مي بردند و اعلان خلافت اسلامي به زمان و شرايط مناسب موكل مي كردند.
اينكه در خراسان از سوي دولت اسلامي والي گماشته مي شود، اين خود زمينه در گيري ميان مسلمانان را مهيا مي سازد؛ چيزي كه امريكا، غرب و برخي كشور هاي مغرض اسلامي خواستار آن هستند.
شمار بیشتر تحلیلگران به این باور اند که در راستای پدید آمدن داعش در افغانستان پاکستان، امریکا و افغانستان به صورت مشترک کار می کنند و بیش از همه پاکستان در این زمینه بیشتر فعال است. برخی از اعضای گروه تحریک اسلامی پاکستان که نیز به داعش پیوسته اند، تحلیلگران می گویند که این کار را به دستور شبکه استخباراتی پاکستان انجام داده اند.
در باره ملا عبدالرووف خادم گفته می شود که انتخاب وی به حیث نایب داعش در خراسان، امری است که به سبب شناخت عمیق وی با عرب ها در گوانتنامو، داعش خود بر آن تصمیم گرفته است.
دولت اسلامی در عراق و سوریه مناطق کمتری را زیر کنترول خود دارد و گفته می شود هم اکنون در عراق با مشکلات جدی رو به رو می باشد؛ در چنین حالتی که می بایست پیرامون کاهش مشکلات کار می شد، چرا تصمیم های مشکل ساز اخذ می شود، اعلام ولایت خراسان از سوی این گروه پیرامون افغانستان، مشکل دیگری برای این گروه است؛ آنهم خراسانی که شامل مناطقی در پاکستان نیز می شود که حکومت آن کشور در آن ساحات با مشکلات جدی روبه رو است. در حالی که مناطق لاهور و پنجاب را شامل نمی شود.
«دولت اسلامی»و اولویت ها
دولت اسلامی باید به اولویت های خود بیاندیشد؛ برای آنها بیش از همه عراق اولویت دارد که در آنجا پیشرفت و دستاورد داشته باشند؛ بعد از عراق سوریه و لبنان است. در حال حاضر، کشور اردن آشکارا جنگ در برابر داعش را اعلام داشته است؛ به همین ترتیب در حالی که آنها خواستار احیای خلافت اسلامی هستند، پس عربستان سعودی، اسرائیل، ایران و مصر در این راستا بسیار مهم می باشد.
من به این باور دارم که دولت اسلامی با مشکلات گسترده مواجه خواهد شد و آن هم ناشی از تصامیم احساساتی برخی از رهبران آن می باشد. هم اکنون دولت اسلامی در جهان عرب و به تبع آن جهان اسلامی دارای هواداران و حامیان بیشتری است؛ اما اگر به اشتباهات خود پی نبرد و به ترمیم آن نپردازد، بدون شک شمار حامیان رو به کاهش خواهد نهاد.
این درست است که دولت اسلامی از امکانات مالی گسترده برخوردار بوده و به وسیله آن می تواند برخی از جوانان را در پاکستان و افغانستان جذب صفوف خود نماید؛ زیرا جوانان در افغانستان به خاطر به بدست آوردن پول، اربکی و در پاکستان ملیشه قومی شده اند و به برادرکشی می پردازند؛ اگر تمویل جوانان در این منطقه به وسیله منابع مالی داعش آغاز شود، بدون شک جوانانی که به صفوف اربکی ها می پیوندند، پیوستن با گروه داعش را ارجحیت داده و به این ترتیب روند جلب و جذب جوانان در صفوف طالبان نیز روبه کاهش خواهد نهاد.
دولت اسلامی که در عراق و سوریه پیشرفت های چشمگیری دارد، ناشی از دسترسی جنگجویان این گروه به سلاح های ثقیله امریکایی است؛ در این کشورها، این گروه به پیروان اهل تشیع به دیده انتقام و کفر می بینند؛ داعش به هیچ صورت نمی تواند، همین تسلیحات ثقیله و مفکوره کفر گویی به اهل تشیع را در افغانستان انتقال و رایج نماید؛ اگر آنها در اینجا یعنی افغانستان بازهم به تسخیر پایگاهی نظامی دولتی موفق شوند، به اسلحه پیشرفتی همانند عراق دست نخواهند یافت.
افغان ها و «دولت اسلامی»

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

ملت مسلمان افغانستان به هیچ نیروی بیگانه یی سرتسلیم خم نخواهد کرد؛ حتی در برابر صحابه کرام نیز به شدت مقاومت نموده و دین اسلام را بسیار به سختی پذیرفتند. اکنون که از سوی دولت اسلامی جنگ در برابر شرک اعلام می شود؛ بدون شک موضوع حنفی و سلفی مطرح می شود؛ بعید است که مردم افغانستان به خصوص در جنوب کشور که اکثریت مطلق دارای مذهب حنفی بوده، با چنین مفکوره و روحیه در صفوف داعش خود را تنظیم و حمایت خود را از آنها اعلام نمایند.
ایکاش اینان به وصیت شهید عبدالله عزام گوش فرامی دادند؛ نامبرده هنگامی مجاهدین عرب را به خطوط جبهه با مجاهدین افغان یکجا می فرستاد به آنها توصیه می کرد، که شما باید مطابق احکام مذهب حنفی نماز و دیگر مراسم اسلامی تان انجام دهید؛ زیرا مردم افغانستان دارای مذهب حنفی بوده و در میان آنها پیرامون سلفی ها معلومات نادرست و حساسیت وجود دارد.
موضوع مهم دیگر این است که طالبان در حال حاضر نیز نسبت به داعش قلمرو بیشتری را نیز کنترول خود دارند؛ آنها در ۳۴ ولایت افغانستان از حمایت مردمی برخوردار اند و مناطق بیشتر برخی ولایت زیر کنترول آنها می باشد؛ دیگر اینکه طالبان تجربه حکومت کردن را نیز دارند؛ سوم اینکه گروه القاعده نیز تا کنون با رهبر طالبان ملامحمدعمر مجاهد در بیعت خود ثابت مانده است؛ در حالی که داعش یک گروه انشعابی القاعده است؛ یعنی گروه القاعده آنرا از خود دور ساخته است.
رهبران طالبان همواره به کندی به ایفای نقش می پردازند؛ اگر با گروه دولت اسلامی گفتگوهای آنها دومدار و پیگیر می بود و تجربه های خود را با آنان شریک می ساختند و دیگر اینکه رفتار آنها با برادران سلفی موجود در میان آنها، مناسب می بود، ممکن این مشکل به این حد نمی رسید.
در صفوف طالبان حضور تعدادی از جنگجویان خارجی شاید در آینده مشکل ساز باشد؛ در حال حاضر که از سوی طالبان جلو خودسری های آنها گرفته شده است؛ و فرماندهی عملیات از آن طالبان افغان است؛ این جنگجویان خارجی شاید در صدد نفوذ داعش و رفع محدودیت های موجود بر خود باشند. همچنان امریکا و حکومت افغانستان در شمال کشور با این گروه همکاری داشته است؛ زیرا آنها می خواهند از آن به حیث تهدیدی در برابر چین و روسیه استفاده نمایند؛ تا بتوانند روسیه را در آسیای مرکزی مصروف و از پرداختن به مسله اوکراین منصرف سازند.
تفاوت بین طالبان و گروه دولت اسلامی در این است که طالبان فعالیت های شان را منحصر به سرحدات افغانستان دانسته، اما داعش سرحد را نمی پذیرد؛ به همین منظور، جنگجویان خارجی موجود در صفوف طالبان، در تلاش هستند، تا با اعلان بیعت با داعش، خود را از محدودیت هایی که طالبان بر آنان وضع کرده است، برهانند.
دولت اسلامی و بازی منطقه یی
سفر رییس جمهور امریکا بارک اوباما به هند، پاکستان را سراسیمه ساخته؛ اکنون پاکستان و چین هر دو مشترکا در تلاش هستند، که از تقویت هند جلوگیری نمایند. پاکستان همواره تلاش می نماید، تا وضعیت امنیتی افغانستان مخدوش بوده و از این رهگذر همیشه امتیازاتی را از امریکا دریافت نماید.
اکنون که هم رهبران دولت اسلامی به درک این مسله برسند که حلقات استخباراتی جهانی می خواهند، آنها را در افغانستان در برابر طالبان بجنگاند؛ ممکن آنها پیرامون سیاست های شان در قبال افغانستان و پاکستان بازنگری نمایند.
و طالبان نیز بالاخره مجبور خواهند شد که جلو فعالیت هر گروه مسلح زیر عنوان داعش را بگیرند؛ این معلوم است که در نتیجه تعدد احزاب جهادی و قوماندانان خود سر در زمان جهاد در مقابل روس ها، تا امروز کشور ما درگیر جنگ داخلی است. خارجی ها نظاره می کنند و ما در بین خود می جنگیم؛ ارتش پیاده بیگانه گان خود مان هستیم و در بدل دریافت امتیازات مادی و دولتی از امریکا به کشتار می پردازیم.
دولت افغانستان و امریکا به خوبي به این امر آگاه است که گروهي به نام داعش براي آنها مشکل ساز نیست، بلکه آنها مي توانند از این گروه در برابر طالبان استفاده نمایند و بیش از همه افراد مسلح به نام اربکي را که در مناطق دوره افتاده فعالیت دارند، زیر نام افراد مسلح داعش تنظیم تا در برابر طالبان توان مقابله را داشته باشند.
چرا ملا عبدالرؤف خادم فورا هدف قرار گرفت؟
اما اینکه ملا عبدالرووف خادم چرا به زودترین فرصت توسط طیارات بي پیلوت امریکا هدف قرار گرفت او از بین برده شد، عوامل زیادي دارد که برخي از آنها قرار زیر مي باشد:

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ

نخست: ملا عبدالروف مطابق خواسته استخبارات منطقه يي كار نمي كرد و نه هم در تعيين وي از سوي داعش كدام شبكه استخباراتي يي نقش داشت؛ بلكه بر مبناي شناخت شخصي كه در زندان گوانتنامو با عرب هاي كسب كرده بود، برخلاف اراده كساني كه قبلاً در پاكستان با داعش بيعت كرده بودند، نامبرده به سمت نايب والي خراسان گماشته شد.
دوم: ملاعبدالرؤف آخند در زندان گوانتنامو به وسيله امريكايان به شدت مورد شكنجه و آزار قرار گرفته بود؛ اين امر به شبكه هاي استخباراتي امريكا و منطقه دشوار ثابت مي ساخت كه نامبرده از مخالفت امريكايان صرف نظر نمايد.
سوم: ملاعبدالرؤف آخند يك شخص عقيدوي بود و بر ادامه جهاد باور مند بود. نامبرده هيچگاه به اين حاضر نبود، كه به ميل و اراده پاكستان، حكومت افغانستان و امريكايان، از جنگ در برابر خارجي ها و حكومت افغان دست بردارد.
چهارم: مهمتر از همه اينكه ملاعبدالرؤف آخند زماني عضو شوراي رهبري طالبان بود و در ميان صفوف طالبان دوستان و حاميان زيادي داشت؛ نامبرده هيچگاه آماده نبود كه در برابر طالبان به صورت مستقيم بجنگد. همچنان منابع نزديك به طالبان نيز مي گويند كه وي آماده نبود، در برابر طالبان به درگيري مسلحانه اقدام نمايد.
پنجم: با كشتن ملاعبدالرؤف امريكا و حكومت افغانستان مي توانند به نزد مردم چنين پنداري به وجود آورند كه آنها در افغانستان در صدد به ميان گروه داعش نيستند.
ششم: بعد از مرگ ملاعبدالرؤف اميري كه از سوي داعش براي افغانستان تعيين مي گردد، بدون شك با جلب و جذب جوانان و عضو گيري براي طالبان مشكلاتي را به وجود خواهد آورد.
اين هم جاي پرسش است اشخاصي كه قبلا در پاكستان و افغانستان با داعش بيعت كردند و خود فعاليت هاي شان از طريق رسانه ها به نشر رساندند، چرا همانند عبدالرووف خادم به زودترين فرصت از سوي دولت افغانستان و امريكا مورد هدف قرار نگرفتند.
بهتر است كه رهبران دولت اسلامي در مورد افغانستان از تصاميم احساساتي و ناسنجيده صرف نظر نمايند و به اين امر متوجه باشد كه حضور نظامي آنها در افغانستان به مثابۀ اعلان جنگ آنها با طالبان و ملت افغانستان است.
در مجموع گفته مي توانيم، كه حضور داعش در افغانستان به نفع كشور هاي امريكا، پاكستان و دولت افغانستان بوده اما به زيان چين، ايران و روسيه است، اما بيش از همه طالبان از آن متضرر خواهد شد.
با توجه به اين مسئله، ممكن چين، ايران و روسيه با طالبان روابط اش را گسترش دهند.
اما جنگ باز هم در خانه هاي ما ادامه خواهد داشت، امريكا، چين، روسيه، ايران، پاكستان و هند بر ادامه جنگ در كشور ما اصرار خواهند داشت و ميدان هاي جنگ نيز مناطق سرحدي با پاكستان، با چين (ولايت بدخشان)و ولايت هاي همجوار با آسياي مركزي كندز و تخار و برخي ولايات ديگر خواهد بود.

پايان

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ